

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۱۱/۲۳

سیمین ساعدی خامنه^۱
سید بهشید حسینی^۲

تحلیل و بررسی اولویتهای زنان برای سکونت، در گونه‌های اسکان موقت (انتقالی) (موردپژوهی: منطقه ۹ شهرداری تهران)^۳

چکیده

در بحران‌هایی که منجر به بیخانمان شدن افراد می‌گردند، ضربتی بودن اقدامات و تفکرات مردسالارانه در پروژه‌های اسکان، باعث نادیده انگاشتن نیازها و خواسته‌ها و اولویتهای زنان و در نتیجه افزایش آسیب‌پذیری آنان می‌گردد. در این مقاله سعی شده است تا با بهره‌گیری از مطالعات میدانی، موضوع اسکان انتقالی (موقت) با رویکرد جنسیتی مورد مطالعه قرار گیرد. روند کار شامل بررسی تئوری‌ها و ویژگی‌های حداقلی اسکان موقت، شناسایی آسیب‌پذیری‌های زنان، و مفهوم‌سازی و استخراج ابعاد و شاخص‌ها و متغیرهای تأثیرگذار در مطلوبیت و نیز انتخاب گونه‌های اسکان انتقالی است. داده‌های مورد نیاز بر پایه ۳۸۰ پرسشنامه در منطقه ۹ شهرداری تهران گردآوری شده‌اند. محدوده مطالعاتی جزو مناطق آسیب‌پذیر شهر در برابر زمین‌لرزه است که پتانسیل تعریف گونه‌های اسکان انتقالی را در خود دارد. هدف اصلی مقاله، شناسایی اولویتهای زنان برای سکونت در گونه‌های اسکان انتقالی، از نظر ابعاد اجتماعی و ادراک محیطی در قالب شاخص‌های پایه و کارا و در نهایت شاخص ترکیبی است. در نتیجه نهایی مطالعه، مشخص شده است که در میان ۴ گزینه اصلی اسکان انتقالی، اولویت نخست زنان همانا سکونت در منازل اقوام و آشنایان است، با امتیاز ۷۳/۸۹؛ و اولویت آخر آنان، اسکان در اردوگاه‌های برنامه‌ریزی و تجهیز شده، با امتیاز ۳۲ (از ۱۰۰ امتیاز).

کلیدواژه‌ها: بحران، اسکان، موقت، زنان، مطلوبیت، تهران.

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه هنر تهران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: simin.saedi@gmail.com

۲. استادیار گروه معماری، دانشگاه هنر تهران، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: behshid_hosseini@yahoo.com

۳. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سیمین ساعدی خامنه در دانشگاه هنر تهران و با راهنمایی دکتر سیدبهشید

حسینی و مشاوره دکتر مجتبی رفیعیان است.

مقدمه

امروزه با وجود رشد و توسعه فناوری، در بسیاری از کشورها مدیریت بحران در بلایا و سوانح به یکی از چالش‌های پیش‌روی مدیران و برنامه‌ریزان تبدیل شده است. بلایای طبیعی و انسان‌ساخت در ترکیب با آسیب‌پذیری انسان‌ها منجر به بحران‌ها می‌گردند. مسئله جنسیت در بحران، یکی از این جنبه‌های مهم و اساسی آسیب‌پذیری‌های انسانی است. به‌طور کلی تمرکز بر مسائل جنسیتی در بحران، امر نسبتاً جدیدی است و مباحث مربوط به آن از دهه ۱۹۹۰ آغاز شده‌اند. تحقیقات موجود در زمینه جنسیت و بحران - به‌خصوص در شاخه اسکان موقت - بسیار محدود است و برنامه‌های تدوین شده در حوزه اسکان موقت اغلب رویکرد جنسیتی ندارند، و معمولاً تمرکزشان بر ایجاد اردوگاه‌های برنامه‌ریزی شده در نواحی درونی یا بیرونی شهرهاست. شناسایی اولویت‌های افراد برای سکونت در گونه‌های اسکان انتقالی از آن رو اهمیت دارد که برنامه‌ریزان باید پیش از تدوین برنامه‌ها از انتخاب‌های افراد آگاهی داشته باشند و راهبردها و اقدامات لازم را بر همین اساس پیش‌بینی کنند. آنچه که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، مرور و بررسی آخرین تقسیم‌بندی گونه‌های اسکان انتقالی در نوشتارها و پژوهش‌های مربوط به اسکان و شناسایی فاکتورهای جنسیتی در اسکان موقت به منظور تعیین شاخص‌ها و متغیرهای تأثیرگذار در انتخاب و مطلوبیت گونه‌های اسکان انتقالی از منظر زنان است. در حقیقت هدف این مقاله ارائه چشم‌اندازی روشن از اولویت‌های زنان در اسکان انتقالی برای برنامه‌های آتی اسکان پس از رخداد زمین‌لرزه در شهر تهران است.

رویکردهای مرتبط با اسکان موقت

جوامع، یا همان سیستم‌های اجتماعی پیچیده، اغلب به چشم‌اندازهای چندبعدی در مراحل احیا و بازیابی^۱ پس از بحران نیاز دارند. مسکن عامل مهمی در اقتصاد هر جامعه در شرایط بحران به‌شمار می‌آید و در صورت وجود نداشتن مسکن، اصولاً افرادی هم که اقتصاد را به جریان بیندازند وجود نخواهند داشت. به همین ترتیب، جریان رونق اقتصادی و احیای مسکن عوامل لازم و ملزوم یکدیگرند. نخستین بار در سال ۱۹۷۵ بود که میلیتی^۲، درابک^۳ و هاس^۴ به عنوان افراد متخصص در زمینه بحران، عنوان کردند که تحقیق در مرحله بازسازی بحران امر بسیار پیچیده‌ای است. دو سال بعد از آن، کتاب بازسازی پس از بحران، به‌وسیله کیتس^۵ و هاس و بوودن^۶ منتشر شد. کیتس در مواجهه با پیچیدگی فرایند بازسازی، چهار مرحله پس از بحران را در شهرها، بدین ترتیب مشخص کرد: پاسخ اضطراری؛ ترمیم ساختمان‌های قابل اعاده؛ بازسازی فاز ۱ (برای ساختمان‌های تخریب شده به‌منظور جایگزینی‌های اساسی؛ و بازسازی فاز ۲ (برای یادبود، بهبود و توسعه ساختمان‌های هر دوره زمانی) (-Kates & Pijawka, 1977, 270). (275)

در سال ۱۹۸۲، کوارانتلی^۷ چهار گونه مجزا از اسکان پس از بحران را مطرح و پیشنهاد کرد که با توجه به اسناد مرتبط با مطالعات موردی در سه منطقه متفاوت در مرکز تحقیقات بحران امریکا به‌دست آمده بود. گونه‌شناسی مذکور، این موارد را در بر می‌گرفت:

- سرپناه اضطراری^۸: به نوع سکونتی اطلاق می‌شود که بازماندگان، جایی را در نزدیکی محل سکونت دائمی‌شان، برای مدتی کوتاه - یعنی چند ساعت و یا حداکثر یک شب - انتخاب می‌کنند.
- سرپناه موقت^۹: به نوع سکونتی اطلاق می‌شود که بازماندگان در سایر مکان‌ها برای مدت کوتاه، و در حد انتظارشان، به صورت موقت برمی‌گزینند.
- مسکن موقت^{۱۰}: در استقرار مسکن موقت، آنچه که اهمیت دارد این است که حداقل‌های قابل

انتظار را از مسکن به آسانی برآورده نمی‌سازد، ولی با این حال می‌تواند پاسخگوی فعالیت‌ها و مسئولیت‌های روزمره خانوارها باشد.

- مسکن دائم^{۱۱} موجب بازگشت بازماندگان به خانه‌های بازسازی شده یا جدید می‌گردد و امکانات سکونت دائم برای ساکنان را فراهم می‌آورد (Quarantelli, 1982, 7-11).

گونه‌شناسی کوارانتلی مسائل خاصی را نیز به همراه دارد، به‌ویژه اگر موضوع اسکان در مراحل مختلفی در نظر گرفته شود و از بازماندگان خواسته شود که هر یک از این مراحل را در زمان‌بندی معینی پشت سر بگذارند. در عین حال همان‌طور که کوارانتلی ذکر کرده، ممکن است برخی از این مراحل تکرار گردند و یا حذف شوند. علاوه بر این، تشخیص تفاوت بین این مراحل امری دشوار است. به‌طور مثال، مسکن موقت ممکن است تبدیل به مسکن دائم شود و یا سرپناه اضطراری می‌تواند به سرپناه موقت تبدیل گردد. افزون بر اینها، ساکنان هر جامعه در بحران‌های مختلف، ممکن است همزمان در هر یک از گونه‌های سکونت سکنی گزینند. به‌رغم ایرادهای وارد به این گونه‌شناسی یا تیپولوژی، اغلب از این تقسیم‌بندی در بسیاری از تحقیقات مرتبط استفاده شده است (Rodríguez, 2007, 265).

در سال ۲۰۰۵، دانشگاه کمبریج در مرکز سرپناه (shelter center)، گونه‌شناسی جدیدی از اسکان را در شرایط بحران معرفی کرد و برای نخستین بار اصطلاح سکونتگاه‌های انتقالی (Transitional Settlement) را به کار برد، که تمامی گزینه‌های پیش روی افراد بی‌خانمان را - از واکنش اضطراری به بحران تا زمان راه‌حل‌های دائمی دربرمی‌گرفت. این تقسیم‌بندی که بر مبنای نگاه جامع نیاز به سرپناه (shelter) صورت گرفته است، فراتر از روش‌های سنتی تهیه کمپ و چادر است که در بیشتر پروژه‌ها و تحقیقات به آن استناد می‌شود (Corsellis & Vitale, 2005, 7).

لازم به ذکر است که با وجود این تغییرات و بازنگری‌ها در گونه‌های اسکان، تاکنون پژوهش‌های شایان توجه و مهمی در زمینه الگوی مسکن در زمینه موضوعاتی همچون طبقه اجتماعی، گروه‌های قومی / نژادی و گونه خانوار، انجام نگرفته است (Rodríguez, 2007, 265).

رویکرد جنسیتی در اسکان موقت (رویکرد حقوق مساوی در اسکان و سرپناه)



شکل ۱. هرم ملاحظات جنسیتی در بحران

منبع: Dimitrijevic, 2008, 9

در میان رویکردهای موجود در زمینه بحران، رویکرد «حقوق مساوی» می‌تواند پشتیبان خوبی برای در نظر گرفتن مسائل و موضوعات جنسیتی در بخش اسکان در شرایط بحران باشد. در واقع شرایط بحرانی دوره‌هایی هستند که باعث دگردیدی‌های سریع اجتماعی و تغییر در نقش‌های جنسیتی می‌شوند. چگونگی عملکرد سرپناه در شرایط بحرانی، عدم تحقق شعار تساوی جنسیتی را به خوبی مشخص می‌سازد. در محیط‌های کاملاً مردانه‌ای که نیازها و ارزش‌های زنان در اولویت قرار نمی‌گیرند، فاصله زیادی برای رسیدن به تساوی جنسیتی وجود دارد.

رویکرد «حقوق مساوی» در مداخلات بشردوستانه در بخش اسکان، دارای جایگاه و مفهوم ویژه‌ای است. این رویکرد در کمک‌های بشردوستانه، برای حفظ حقوق زنان و مردان، سهمی مساوی قائل است و هرگونه تخطی را در حقوق زنان از نظر دور نمی‌دارد و بر مشارکت یکسان زنان و مردان در کلیه سطوح تصمیم‌گیری تأکید می‌ورزد.

با مشارکت دادن زنان در سیاست‌ها و پروژه‌های اسکان، آنان توان سازگاری بهتر را با مسئله بی‌خانمانی پیدا می‌کنند. به‌علاوه، مشارکت مساوی زنان و مردان می‌تواند منجر به قدرتمندتر شدن زنان گردد.

در شرایط بحران، بخش اصلی مداخلات باید حفاظت، همراه با کاهش آسیب‌پذیری‌هایی باشد که بر اثر تفاوت‌های جنسیتی به‌وجود می‌آیند. در این میان می‌بایست ملزومات اساسی در پاسخگویی به نیازهای اولیه نیز در نظر گرفته شوند و این تضمین و اطمینان شکل گیرد که سرپناه و زیرساخت‌های مناسب برای استفاده و حفظ شأن انسانی و حریم شخصی هر انسان وجود دارند. در واقع، پاسخ جنسیتی به مسئله اسکان باید با توجه به ملاحظات صورت پذیرد که در وهله نخست ساختارهای قانونی و فرایندهایی ایجاد شود که باعث تقویت نقش‌ها و نیز قدرت‌بخشی به زنان و مشارکت آنان گردد؛ و دوم، مشارکت زنان در کلیه مراحل مداخلات، اصول طراحی و ترکیب‌بندی در مقیاس‌های مختلف فضایی، تولید و ساختار فضا و مکان، و حقوق زمین را (به‌ویژه در مرحله بازسازی) فراهم آورد. اگر این اصول به خوبی شناسایی شوند، «ظرفیت مقابله» جوامع نیز، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت تقویت خواهد شد (Zetter & Boano, 2009).

مسائل روش‌شناسی در اسکان موقت

یکی از مدل‌های مطرح در پاسخ به مسئله اسکان موقت، که در تحقیقات مرتبط به آن استناد می‌شود، مدل اسکادر یا کلسان^{۱۶} است. اسکادر و کلسان مطالعات متعددی را در زمینه اسکان مجدد در زیمبابوه انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که اسکان مجدد در چهار مرحله رخ می‌دهد: انتخاب، انتقال، توسعه بالقوه، و یکپارچگی.

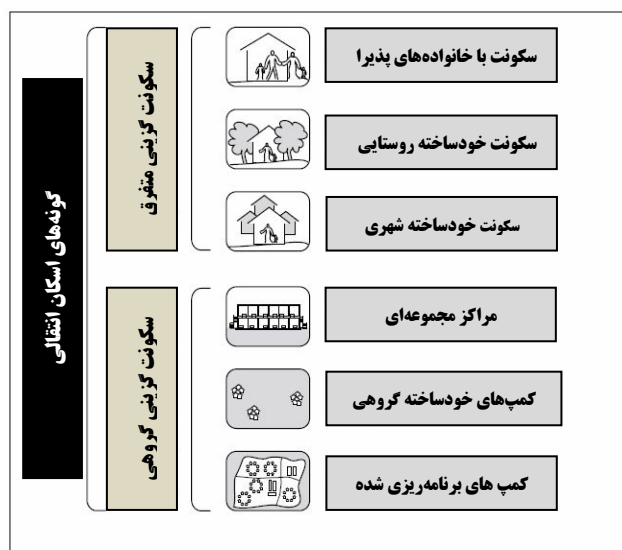
مرحله انتخاب - این مرحله دربرگیرنده انتخاب‌های مردم برای سکونت است. در حقیقت بسیاری از مردم ممکن است در برابر اسکان مجدد مقاومت ورزند، یا به آسانی به مکان دیگری مهاجرت کنند. کسانی که مهاجرت را برمی‌گزینند، عموماً امکاناتی هم برای مهاجرت دارند.

مرحله انتقال - این مرحله با انتقال مردم و متعلقات‌شان آغاز می‌شود و پس از انطباق با محل جدید پایان می‌پذیرد. مرحله انتقال عموماً بسیار تنش‌زاست و شواهد نشان می‌دهند که این مرحله با افزایش نرخ مرگ‌ومیر و بیماری همراه است. در طول دوره انتقال، جمعیت اغلب تابع سنت‌های اجتماعی و فرهنگی خاص خود است و بنابراین باید ملاحظات اجتماعی و فرهنگی را با توجه به تغییرات جدید در برنامه مسکن، اختصاص زمین و فناوری‌های جدید، آن هم با دقت لازم، در نظر گرفت. مرحله انتقالی معمولاً بیشتر از دو سال طول می‌کشد (کمتر از آن، به ندرت پیش می‌آید) و در صورتی که پروژه‌ها به خوبی برنامه‌ریزی و طراحی نشده باشند چه بسا بیش از اینها به درازا کشد.

مرحله توسعه بالقوه - این مرحله با استقرار کامل جمعیت آغاز می‌شود و اغلب هم با نوآوری و آزمایش و خطرجویی همراه است. به عبارتی، به محض اینکه مردم الگوهای تولیدی‌شان را به‌وجود آورند و در محیط جدید مستقر شوند، توان درک امتیاز فرصت‌های جدید را خواهند داشت.

مرحله یکپارچگی - مرحله‌ای است که در جامعه جدید، الگوهای اجتماعی و فرهنگی دیگر جامعیت لازم را یافته‌اند، به طوری که می‌توانند از جمعیت اولیه به نسل بعدی منتقل شوند. به علت ارتباط آشکاری که بین مدل اسکالین و کلسان و مسائل اسکان پس از بحران وجود دارد، از این مدل می‌توان برای تحقیقات اسکان استفاده کرد (Oliver-Smith, 1991, 15-17).

مطابق با نخستین مرحله مدل اسکالین، افراد بعد از بی‌خانمان شدن در وهله نخست، گونه‌های اسکان خود را انتخاب خواهند کرد. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزان و مدیران بحران، به‌منظور برنامه‌ریزی‌های کارا و مؤثرتر از انتخاب‌های احتمالی افراد پس از بحران آگاهی بیابند و در برنامه‌ها مشخص کنند که کدام یک از گونه‌های اسکان باید پشتیبانی گردند، یا کدام برچیده شوند. همان‌گونه که اشاره شد، در تحقیقات دانشگاه کمبریج و مرکز سرپناه^{۱۳} تمامی گزینه‌های فراروی افرادی که پس از بحران یا در شرایط پناهندگی بی‌خانمان شده‌اند، در دو گروه سکونت‌گزینی متفرق و گروهی، در شش گونه معرفی گردیده‌اند. این تقسیم‌بندی در شکل ۲ نشان داده شده است (Corseillis & Vitale, 2008, 8).



شکل ۲. گونه‌های اسکان انتقالی

منبع: Corseillis & Vitale, 2005, 8

در ادامه، به معرفی دقیق‌تر گونه‌هایی از سکونتگاه‌های انتقالی که با شرایط اسکان پس از زمین‌لرزه و عرصه پژوهش تطابق بیشتری دارند، پرداخته خواهد شد.

۱) سکونت‌گزینی متفرق: سکونت با خانواده‌های پذیرا

این انتخاب شامل سکونت در منزل خانواده‌های پذیرا، به همراه آنان و یا در سایر متعلقات و املاک آنهاست. ممکن است برای بی‌خانمان‌ها فرصت زندگی با اقوام و آشنایان یا دوستان و افراد خیر و نیکوکار در بازه زمانی خاصی وجود داشته باشد، و فضایی برای اقامت در خانه یا املاک و زمین‌های میزبان به این افراد اختصاص یابد، این امر ممکن است بدون پرداخت هزینه و یا با پرداخت کرایه و حتی ارائه خدمات به میزبان همراه باشد.

۲) سکونت‌گزینی گروهی: استقرار جمعی در مراکز مجموعه‌ای

مراکز مجموعه‌ای اغلب دارای امکاناتی از پیش‌فراهم‌شده در فضاهایی مانند مراکز محله‌ها، شهرداری‌ها،^{۱۴} ساختمان‌های آموزشی، باشگاه‌های ورزشی، هتل‌ها، انبارها، کارخانه‌های متروکه و ساختمان‌های ناتمام هستند. از این ساختمان‌ها معمولاً زمانی استفاده می‌شود که پدیده بی‌خانمانی افراد در داخل خود شهر رخ دهد.

مراکز مجموعه‌ای نباید به عنوان گزینه سکونت بلندمدت در نظر گرفته شوند، مگر آنکه امکانات ویژه‌ای همچون امنیت در آنها فراهم آید. این مجموعه‌ها در صورتی که بتوانند گروه‌های آسیب‌پذیر مانند افراد پیر و کودکان را در خود جای دهند، اهمیت بسیاری خواهند داشت. زمان سکونت افراد و خانواده‌های بی‌خانمان در این مراکز بسیار حیاتی است، زیرا به مانند سایر فرم‌های سکونت رسمی، زمان‌های طولانی اقامت اغلب منجر به افزایش فشارهای روانی، افسردگی، آشوب‌های اجتماعی، مشکلات روانی و نظایر اینها در افراد و جامعه می‌گردد.

۳) سکونت‌گزینی گروهی: اردوگاه‌سازی پراکنده با یاری و همکاری خود مردم

گروه‌های بی‌خانمان ممکن است در اردوگاه‌های مستقر در زمین‌های دولتی و گروهی سکونت گزینند. معمولاً اسکان‌های خودجوش گروهی قبل از رسیدن سازمان‌های امداد به‌وجود می‌آیند. مردم بی‌خانمان، این گزینه را به‌طور معمول از آن رو انتخاب می‌کنند که به دلایل اجتماعی، زندگی کردن در یک گروه را ترجیح می‌دهند. آنها در گروه، احساس امنیت بیشتری می‌کنند و گمان می‌برند که در چنین شرایطی، فرصت‌شان برای دریافت کمک‌های بیرونی بیشتر است.

تصمیم استراتژیک اصلی، که گروه‌های امداد باید بگیرند، این است که آیا پشتیبانی مناسب از این نوع اسکان امکان‌پذیر است، یا اینکه بهتر است سرپناه‌ها به مکان‌های دیگری منتقل شوند.

۴) سکونت‌گزینی گروهی: سکونت در اردوگاه‌های برنامه‌ریزی و طراحی‌شده

اردوگاه‌های برنامه‌ریزی‌شده در سایت‌هایی که به این منظور پیش‌بینی شده‌اند، برای مردم بی‌خانمان امکان اسکان موقت را فراهم می‌آورند. این سایت‌ها اغلب مجهز به امکانات و خدمات کاملی همچون، آب، توزیع غذا و اقلام غیرخوراکی، مراکز بهداشتی و آموزشی و مانند اینها هستند.

اردوگاه برنامه‌ریزی شده را، به‌عنوان آخرین گزینه مناسب، سازمان‌هایی همچون UNHCR مد نظر قرار می‌دهند، زیرا این نوع اسکان معمولاً پیامدهایی چون افزایش وابستگی و توقعات مردم بی‌خانمان را به همراه دارد و در عین حال با چالش‌هایی در رسیدن به راه‌حل‌های مؤثر اسکان نیز روبه‌روست. با وجود این، اردوگاه‌های برنامه‌ریزی شده در برخی از موارد مناسب‌ترین گزینه‌ای هستند که در اختیار مردم بی‌خانمان قرار می‌گیرند (Corcellis & Vitale, 2008, 67-124).

شاخص‌های مؤثر در مطلوبیت گونه‌های اسکان انتقالی، از منظر جنسیتی

به‌منظور بررسی شاخص‌های تأثیرگذار در مطلوبیت - و در نتیجه، انتخاب گونه‌های اسکان انتقالی - پس از بررسی نوشتارها و پژوهش‌های نظری مرتبط با اسکان موقت و شناسایی ابعادی که جنسیت در آنها نقش دارد، شاخص‌ها در دو گروه دسته‌بندی شدند: شاخص‌های پایه (حداقل‌هایی که در اسکان انتقالی باید وجود داشته باشند)؛ و شاخص‌های مؤثر بر افزایش کارایی گونه‌های اسکان انتقالی.

الف) شاخص‌های پایه در گونه‌های اسکان انتقالی

در نگاهی کلی، حداقل‌هایی که می‌بایست در سکونتگاه‌های موقت (انتقالی) برای افراد آسیب‌دیده فراهم آیند، عبارت‌اند از: ایجاد امنیت و مراقبت، حفظ حیات و سلامت، حفظ کرامت انسانی و حریم‌های خصوصی، حفظ منابع طبیعی، و تأمین زیرساخت‌های خدماتی (8, Corsellis & Vitale, 2005). در این میان، شاخص‌های پایه و حداقلی اسکان انتقالی که در آنها تأکید ویژه‌ای بر مسائل زنان شده است، مواردی از این دست را در بر می‌گیرند: امنیت، حفظ حریم شخصی و کرامت انسانی، و تأمین معیشت زنان در انواع گونه‌های اسکان انتقالی.

(Chalinder, 1998; SPHERE, 2004; Norwegian Refugee Council, 2008; "UNHCR Handbook", 2008; Inter-Agency Standing Committee, 2005; ICRC Women And War Team, 2004; Wiest, Mocelli, & Motsis, 1994).

درباره شاخص امنیت، می‌توان گفت که جنسیت به عنوان تأثیرگذارترین عامل شخصیتی در احساس ناامنی مطرح شده است. به‌طور کلی مردان در مورد امنیت محیط خودشان، در قیاس زنان، احساس مثبت‌تری دارند؛ مثلاً هم مردان در تاریکی احساس ناامنی می‌کنند و هم زنان، اما درجه و میزان این حس در میان زنان بالاتر است (بمانیان، رفیعیان، و ضابطیان، ۱۳۸۸، ۵۲).

در برنامه‌ریزی سرپناه و استراتژی‌های امداد، کیفیت محافظت و امنیت زنان، عوامل یا فاکتورهای بسیاری دخیل‌اند، همچون موقعیت خانوادگی آنان، محیط فیزیکی سرپناه، سازوکارها یا مکانیسم‌های نجات و نظایر اینها (Inter-Agency Standing Committee, 2007, 23).

با وجود اهمیت موضوع امنیت در اسکان موقت، در هیچ یک از کتب مرجع مدیریت بحران، مفهومی دقیق از آن ذکر نشده است. این چه‌بسا بدان علت باشد که گرچه تشخیص نموده‌های اصطلاح امنیت نسبتاً ساده به‌نظر می‌رسد، اما تعریف مفهومی آن کاملاً چالش‌برانگیز است. برای شناسایی متغیرهای تأثیرگذار در مفهوم امنیت، نظریه‌های علوم اجتماعی می‌توانند ابزارهای مناسبی باشند. در این زمینه، در نظریه‌هایی مانند پنجره شکسته، تقویت ساختاری، الگوی توسعه خطی، و نظم اجتماعی، احساس امنیت به‌طور کلی متأثر از متغیرهایی چون درک یا آگاهی از بروز جرایم و بزهکاری، حمایت اجتماعی (امداد و یاری) و ریسک و مخاطره (ریسک اعتماد کردن) برشمرده می‌شود (کافی، ۱۳۸۸، ۴). در حیطه شاخص احترام به حریم شخصی و کرامت انسانی افراد در اسکان‌های انتقالی، زنان عموماً به علت تابوها و قوانین اجتماعی، با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند (Wies et al., 1994, 37). به همین ترتیب، غالباً فقدان حریم و فضای شخصی - مانند فضاهایی برای تعویض لباس و یا خواب - در انواع اسکان انتقالی، به افزایش تهدیدات و خشونت‌های جنسی علیه زنان دامن می‌زند. از آنجا که پس از بحران ممکن است گرایش مردان به مصرف نوشیدنی‌های الکلی و مواد مخدر افزایش پیدا کند، این عامل در بسیاری از موارد می‌تواند منجر به شکستن حریم شخصی زنان و افزایش خشونت‌های جنسی بر ضد آنان گردد (Byrne & Baden, 1995, 52).

همان‌گونه که در مورد مفهوم «امنیت» ذکر شد، در کتب راهنمای مدیریت بحران، تعریفی از مفهوم واژه یا اصطلاح حریم خصوصی و متغیرهای تأثیرگذار در آن ارائه نشده است، که خود می‌تواند به علت وجود ابهام در مفهوم آن باشد. مفهوم حریم خصوصی، ریشه‌های عمیقی در مباحث جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی دارد.

درباره متغیرهای تأثیرگذار بر مفهوم حریم خصوصی، می‌توان گفت که این حریم دارای مفهوم و معنایی سیال است که می‌توان آن را برگرفته از متغیرهایی چون آزادی اندیشه، کنترل بر جسم خود، خلوت و تنهایی منزل، کنترل بر اطلاعات راجع به خود، فارغ بودن از نظارت‌های دیگران، حمایت از

حیثیت و اعتبار خود، و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها دانست (انصاری، ۱۳۸۳، ۵). اما به طور کلی، نقض حریم شخصی زنان و مردان با یکدیگر تفاوت دارند و توقعات منطقی زنان از داشتن حریم خصوصی، اغلب آزادی‌های آنان را در جامعه محدود می‌کند. به علاوه، داشتن صفات مثبتی چون از خودگذشتگی، صمیمیت و مراقبت و توجه به سایرین در زنان، باعث می‌شود تا آنان حق داشتن حریم شخصی خود را بیشتر از مردان نادیده بگیرند (Staples, 2007, 201).

در مورد شاخص امکان تأمین معیشت، می‌توان گفت که این امر لزوماً به مشاغل رسمی دارای درآمد اطلاق نمی‌شود بلکه فعالیت‌های غیررسمی برای امرار معاش را نیز در بر می‌گیرد. گزینه‌های اسکان انتقالی تأثیر فراوانی بر روش‌های تأمین درآمد افراد و خانواده‌ها دارند و باید توقعات فرهنگی افراد بی‌خانمان را در زمینه نحوه تأمین معیشت پاسخگو باشند. دسترسی به منابع تأمین معاش جزو مواردی است که در شرایط بی‌خانمان شدن پس از مدتی به مشکلات جدی بدل می‌شود. زنان، که به علت جایگاه‌شان در جامعه در شرایط عادی نیز اغلب از دسترسی عادلانه به منابع محروم‌اند، در شرایط بحران با چالش‌های بیشتری مواجه می‌شوند. به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، زنان معمولاً فاقد مهارت‌های اقتصادی‌اند و غالباً در مشاغل غیررسمی فعالیت می‌کنند. در برخی از کشورها، به دلیل سنت‌ها و قوانین حاکم، زنان به دلیل منع شدن از فعالیت اقتصادی در بیرون از خانه، به مشاغل خانگی روی می‌آورند، که این خود در شرایط بحران و بی‌خانمان شدن، باعث افزایش آسیب‌پذیری آنان می‌گردد (Wies et al., 1994, 40).

ب) شاخص‌های مؤثر بر افزایش کارایی اسکان‌های انتقالی

مؤسسه اکسفام در دسامبر ۲۰۰۵ میلادی، در پژوهشی راجع به عملیات تأمین سرپناه برای قربانیان سونامی در آسیای جنوب شرقی، اسکان موقت را چالشی بزرگ برای مدیران و برنامه‌ریزان برشمرد و این پرسش را مطرح ساخت که هدف مجریان، ایجاد مکانی برای اقامت^{۱۵} بی‌خانمانان است یا برای زندگی^{۱۶} آنان. در آن نوشتار، اسکان موقت به مثابه مکانی برای اقامت قلمداد گردیده و اسکان دائم جایی برای زندگی عنوان شده است؛ و نتیجه‌ای که به دست آمده از این قرار است: ما به سادگی می‌گوییم سرپناه، در حالی که مفهوم آن بسیار عمیق است. اسکان برای هر خانواده باید تأمین‌کننده ایمنی و آسایش خاطر باشد و احساس تعلق به دنبال آورد، لذا هنگام تأمین سرپناه برای آسیب‌دیدگان باید به‌ویژه برای بازگرداندن شأن و منزلت خانوار توجه داشت (فلاحی، ۱۳۸۶، ۹).

براساس نوشتارها و پژوهش‌های تخصصی اسکان موقت، از جمله شاخص‌هایی چون مشارکت اجتماعی بیشتر و مؤثرتر افراد در مدیریت محیط اسکان موقت‌شان، افزایش حس تعلق مکانی گروه‌های ساکن، بهبود زمینه‌های آسایش و راحتی افراد و به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، نظم و پاکیزگی محیط، به همراه دیگر شاخص‌های ذی‌ربط، می‌تواند در افزایش رضایت مردمی که در اسکان‌های انتقالی به سر می‌برند، مؤثر باشد.

در میان کتاب‌های مرجع مدیریت بحران، در کتاب‌هایی چون راهنمای جنسیتی کمیته دائمی بین‌آژانس‌ها (Inter-Agency Standing Committee, 2007)، استانداردهای حداقل در پاسخ به بحران (Sphere, 2004)، و کتاب راهنمای کمیساریای عالی سازمان ملل برای حفاظت از زنان و دختران (UNHCR Handbook, 2008)، مشخصاً به موضوع مشارکت زنان در برنامه‌های مدیریت بحران و اسکان توجهی ویژه شده است. به علاوه، پژوهشگران مدیریت بحران که به بررسی مسائل جنسیتی پرداخته‌اند، در موارد بسیاری مشارکت زنان را عاملی در موفقیت برنامه‌های مدیریت بحران و اسکان

موقت دانسته‌اند. از آن جمله، انرسون (Enarson, 2000) به عنوان یکی از پیشگامان مباحث مرتبط با جنسیت در بحران، در گزارش «جنسیت و بلایای طبیعی» (تهیه شده برای سازمان جهانی کار)، به لزوم مشارکت زنان در مسئولیت‌های اصلی واکنش و پاسخ در برابر بحران و بازسازی تأکید کرده است. همچنین، برادشا (Bradshaw, 2004) مشارکت زنان را در پروژه‌های ساخت سرپناه یا بازسازی، فرصتی برای ارتقای نقش آنها در جوامع و تغییر در سیستم‌های قدرت مردسالارانه می‌داند. وی افزون بر این، تصریح می‌کند که مشارکت زنان در پروژه‌ها، امری مثبت در شناسایی نیازهای آنان به شمار می‌آید. آندرسون (Anderson, 1994) در تحقیقات خود، بر لزوم مشارکت افراد بی‌خانمان در طراحی و به‌کارگیری پروژه‌های اسکان تأکید می‌کند و شناسایی فرهنگ و سنت‌های جمعیت بی‌خانمان را به‌منظور فراهم کردن فرصت مشارکت برابر زنان و مردان و افزایش کارایی برنامه‌ها لازم می‌داند.

شاخص دیگری که در بحران‌هایی چون زلزله می‌بایست بدان توجه داشت، پاسخ به احساس تعلق خاطر افراد به محل سکونت‌شان است. مردمی که مجبور به جابه‌جایی در پی چنین بحران‌هایی باشند، اغلب تمایل دارند در نزدیکی محل سکونت اولیه‌شان اسکان داده شوند، حتی اگر منازل آنها به کلی منهدم شده و یا آسیب دیده باشد (حسینی، ۱۳۸۷، ۱۹۰).

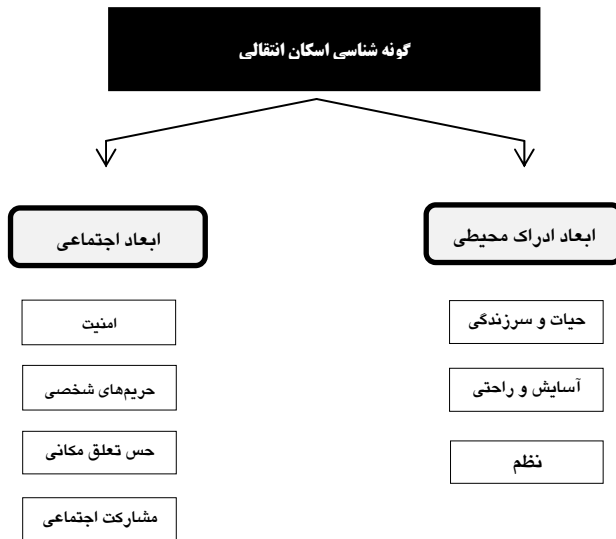
فلاحی در مورد شاخص آسایش و راحتی، بر آن است که: معنای عمومی سرپناه و سکونتگاه موقت فراتر از محل زندگی است و مفاهیمی از قبیل داشتن آرامش خاطر، راحتی و روانی و جز اینها را نیز در بر می‌گیرد. باید دانست که مردم پس از سانحه، «بی‌خانمان» می‌شوند و نه «فقط بی‌ساختمان». این بدان معناست که خانوار بر اثر وقوع سانحه، هستی و اندوخته معنوی و مادی سالیان خود را به یکباره نابود شده می‌یابد. بنابراین، سرپناه به عنوان فضایی برای ایجاد آرامش، امنیت، اطمینان خاطر و بازتوانی روانی و روحی فرد آسیب‌دیده باید مورد توجه جدی قرار گیرد (فلاحی، ۱۳۸۶، ۵).

در نهایت یکی از مسائلی که در اسکان موقت رخ می‌دهد، بروز آشفتگی و بی‌نظمی در محل‌های اسکان، به خصوص در شرایطی است که جمعیت زیادی در محل خاصی سکونت گزیده باشند (Chalinder, 1998, 48). افراد و فعالیت‌های جاری می‌توانند نظم را در محیط اسکان تعریف کنند. هرج و مرج، سروصدای ساکنان کوچک و بزرگ، فعالیت‌های ساختمانی، آلودگی‌های محیط - مانند آلودگی آب‌های سطحی، گردوغبار، بوی بد زباله، فاضلاب، عدم رعایت بهداشت به‌وسیله ساکنان - و نظایر اینها، عواملی هستند که با کمرنگ شدن سیستم‌های نظارتی در هنگام بحران شدت می‌گیرند. این عوامل می‌توانند منجر به افزایش ناراضیاتی در میان ساکنان و به‌ویژه زنان گردند.

یکی از عواملی که در انتخاب محل سکونت تأثیر می‌نهد، وجود سرزندگی و حیات در محل اسکان و پیرامون آن است. افراد غالباً ترجیح می‌دهند محلی را برای سکونت انتخاب کنند که سریع‌تر به رونق اقتصادی و اجتماعی و وضعیت عادی باز گردد و از یأس و ناامیدی فاصله گیرد.

روش‌شناسی

همان‌گونه که در مقدمه تحقیق ذکر گردید، این تحقیق به دنبال «شناسایی انتخاب‌های زنان برای سکونت در انواع یا گونه‌های اسکان انتقالی» در محدوده مورد مطالعه است. از آنجا که سنجش این امر به آسانی امکان‌پذیر نبود، تلاش شد تا با مرور نوشتارهای مرتبط با اسکان موقت (انتقالی)، حداقل‌های اسکان انتقالی و ابعاد مؤثر بر کارایی گونه‌های آن شناسایی گردد و با توجه به آسیب‌پذیری‌های جنسیتی، ضمن شناخت شاخص‌ها و متغیرهای اساسی تأثیرگذار در مطلوبیت محل‌های اسکان و انتخاب افراد، به تعیین و استخراج آنها پرداخته شود.



شکل ۳. ابعاد و شاخص‌های تأثیرگذار در مطلوبیت گونه‌های اسکان

تعلق مکانی»، بر اساس میزان تمایل به سکونت در منطقه بعد از زلزله، «شاخص حیات و سرزندگی» براساس امکان ادامه اشتغال و تأمین معیشت و میزان نشاط و سرزندگی، «شاخص آسایش» براساس میزان احساس راحتی در محل سکونت، و «شاخص نظم» نیز براساس امکان بروز هرج و مرج و آلودگی‌های محیطی مورد بررسی قرار گرفت.

بر این اساس، پرسش‌هایی متناظر با هر یک از متغیرهای مورد مطالعه در قالب پرسشنامه (ابزار اصلی پژوهش) مطرح گردید که نمونه‌ای از آنها در جدول ۱ درج شده است (از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد که پس از مطالعه پرسش‌های مربوط به جدول، اولویت‌های خود را در هر یک از پرسش‌ها، براساس نوع گزینه‌های اسکان موقت، از امتیاز ۱ به‌عنوان اولویت نخست - یا بیشترین امکان دستیابی - تا امتیاز ۴ که اولویت آخر - با کمترین امکان دستیابی - بود، مشخص سازند. لازم به ذکر است که به‌منظور تعیین اعتبار پرسشنامه، آزمونی مقدماتی به این ترتیب به عمل آمد که پرسشنامه به ۲۰ نفر از افراد خارج از محدوده نمونه‌گیری تحقیق نیز ارائه گردید، تا این اطمینان حاصل آید که افراد پاسخگو، تمام پرسش‌ها را درک کرده‌اند؛ و بر این اساس اصلاحاتی در پرسش‌ها اعمال شد (مرحله پیش‌آزمون).

جدول ۱. نمونه‌ای از پرسش‌های درج شده در پرسشنامه

اسکان دسته‌جمعی در ساختمان‌هایی مانند مدرسه و مسجد و نظایر اینها که بر اثر زلزله تخریب نشده‌اند.	سکونت در اردوگاه‌های از پیش تعیین شده در بیرون شهر که به امکانات اولیه اسکان مجهزند.	سکونت در سرپناه‌هایی که افراد و همسایگان در محله‌ها بر پا کرده‌اند	سکونت در خانه اقوام و آشنایان در سایر شهرها	گزینه‌های سکونت پرسش
				براساس اولویت مشخص کنید که در کدامیک از گزینه‌ها، زنان بیشتر تحت حمایت سایرین قرار می‌گیرند.

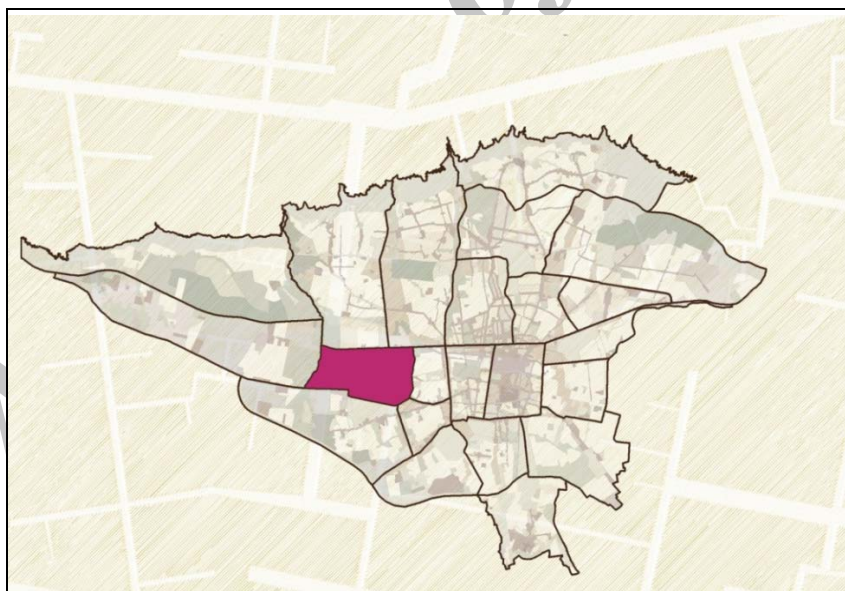
البته به علت ماهیت چندبخشی اسکان انتقالی و گسترده بودن آن، در این مقاله تنها به ابعاد اجتماعی و ادراک محیطی پرداخته شده است. در زمینه ابعاد اجتماعی، «شاخص امنیت» با متغیرهای حمایت اجتماعی، درک از بروز بزهکاری و ریسک اعتماد کردن، شاخص «کرامت انسانی و حریم شخصی» با متغیرهای امکان دخالت و کنترل دیگران و داشتن فضایی برای خلوت و تنهایی، و شاخص «مشارکت اجتماعی» با میزان تمایل به همکاری با سایر زنان به‌منظور رفع نیازها و خواسته‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در ابعاد ادراک محیط نیز «شاخص

یکی از مقوله‌های مهم در تحقیقات میدانی، انتخاب حجم نمونه است. بدین منظور در این پژوهش از فرمول کوکران استفاده شد که بر اساس آن، تعداد نمونه‌های مورد نیاز از جامعه آماری (زنان ساکن در منطقه ۹ شهر تهران)، ۳۸۰ نفر تعیین گردید. در تحقیق حاضر برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. در نهایت داده‌های به دست آمده، با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

عرصه پژوهش، منطقه ۹ شهر تهران

منطقه ۹ در غرب شهر تهران واقع است و بزرگ‌ترین - و در عین حال نمادین‌ترین - میدان شهر، یعنی میدان آزادی نیز در همین منطقه قرار دارد. منطقه مورد بحث را می‌توان دروازه هوایی ورود به شهر تهران و همچنین مبدأ و مقصد سفرها و تغییر وسیله بین نواحی شمالی، غربی استان و کشور با شهر تهران برشمرد. وجود بخش‌های غیرنظامی و نظامی هوایی و صنایع کارگاهی از ویژگی‌های این منطقه به‌شمار می‌آید؛ و از دیگر ویژگی‌های بارز آن وجود بافت‌های فرسوده - به‌ویژه در کاربری مسکونی - است.

بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، جمعیت منطقه ۹ شهر تهران ۱۶۵/۹۰۳ نفر بوده است که در ۴۷۷۲۰ خانوار توزیع شده‌اند. از این تعداد ۸۶۸۳۵ نفر (۵۲/۳۴ درصد) را مردان و ۷۹۰۶۸ نفر (۴۷/۶۵ درصد) را زنان تشکیل داده‌اند. بُعد خانوار در محله‌های دارای مجتمع‌های مسکونی - سازمانی ۴/۵ تا ۴/۶ نفر، لیکن در سایر بخش‌های منطقه ۳/۸ نفر است.



شکل ۴. موقعیت منطقه ۹ در شهر تهران

منبع: مهندسين مشاور آمود

بیش از نیمی از مساحت این منطقه به کاربری‌های فرامنطقه‌ای اختصاص دارد. از آن جمله، فرودگاه مهرآباد در غرب منطقه است. مثال دیگر، پادگان جی است که بافت مسکونی منطقه را دو پاره کرده و ارتباط شمالی جنوبی شریانی را در سطح منطقه ناممکن ساخته است. بررسی کمبود سطوح خدماتی در

منطقه مذکور به گونه‌ای است که می‌توان گفت در تمامی کاربری‌های خدماتی منطقه، کمبود به چشم می‌خورد. این کمبود به‌ویژه در فضای سبز، جای تأمل و توجه دارد.

بافت‌های فرسوده بخش عمده و وسیعی از منطقه را در بر گرفته‌اند، به طوری که ۶۸ درصد مساحت بافت را قطعات مسکونی کوچک‌تر از ۱۰۰ مترمربع تشکیل می‌دهند و ۴۵/۵ درصد کل قطعات مسکونی، به معابری با عرض کمتر از ۶ متر دسترسی دارند و ۸۰ درصد واحدهای مسکونی نیز با آجر و آهن یا دیگر مصالح بی‌دوام ساخته شده‌اند.

پیش‌بینی آسیب‌پذیری و تحلیل وضعیت منطقه، به‌منظور اسکان انتقالی پس از زلزله

برای ارائه تصویری کلی از عوارض و خسارات احتمالی شهر تهران در صورت وقوع زمین‌لرزه، از تنها سند موجود مرتبط با مطالعات ریزپهنه‌بندی لرزه‌ای تهران، که مرکز مطالعات زلزله با همکاری آژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن (جایکا) آن را تهیه کرده‌اند، استفاده شده است.

بر این اساس، پیش‌بینی شده است که در صورت وقوع زلزله مدل گسل ری در منطقه مورد بحث، ۲ تا ۲۰ درصد جمعیت در شب‌هنگام از بین خواهند رفت و ۲ تا ۵ درصد نیز به هنگام روز، در مدل گسل مشا درصد شدید خسارات ساختمانی در منطقه ۹ بین ۱۰ تا ۳۰ درصد برآورد شده است، در حالی که در مدل گسل شمال درصد خسارات به ۵۰ درصد نیز می‌رسد و در مدل گسل ری احتمال تخریب ۵۰ تا ۱۰۰ درصد ساختمان‌های منطقه وجود خواهد داشت. دیگر اینکه، کارکرد فعالیت‌های اسکان‌پذیر در منطقه - شامل مدارس و ساختمان‌های دولتی - به ترتیب در دسته‌بندی خسارات کم و زیاد قرار خواهند گرفت (گزارش نهایی پروژه ریزپهنه‌بندی لرزه‌ای تهران بزرگ، ۱۳۸۰).

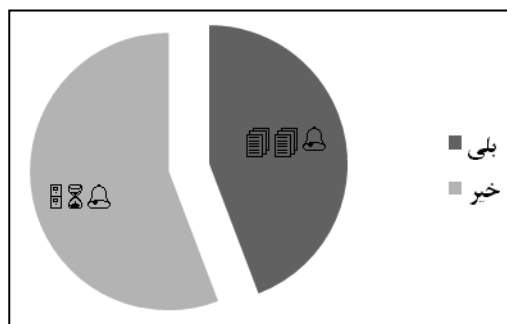
در این منطقه، با توجه به قرارگیری فرودگاه مهرآباد و زمین‌های باز، امکان دریافت و توزیع اقلام مورد نیاز اسکان وجود دارد. از طرف دیگر، این منطقه به خاطر اختصاص بخش گسترده‌ای از آن به کاربری نظامی، که شامل خوابگاه‌ها و ساختمان‌های اداری است، پتانسیل مناسبی را برای اسکان‌های گروهی در خود دارد. وجود قطعات بزرگ با مالکیت عمومی یا دولتی فرصتی را برای اسکان بخشی از جمعیت در سرپناه‌های خودساخته و در شیب مناسب و طبیعی منطقه فراهم می‌آورد. افزون بر اینها، وجود کاربری‌های بزرگ قابل انتقال از منطقه نیز خود می‌تواند فرصتی برای رفع کمبودهای خدمات شهری و کارکرد - فعالیت‌های امدادرسان و اسکان‌پذیر در هنگام بحران باشد. نزدیکی نسبی منطقه به پارک چیتگر، به عنوان محل اسکان اضطراری بلندمدت شهر تهران، انتقال آسیب‌دیدگان منطقه ۹ را به اردوگاه‌های اسکان موقت برنامه‌ریزی شده امکان‌پذیر می‌سازد.

از سوی دیگر، از کمبودها و کاستی‌های منطقه نیز نمی‌توان چشم پوشید. خسارات یادشده احتمالی به ساختمان‌های دولتی (مطابق با گزارش جایکا) موجب محدود شدن امکان اسکان در مراکز مجموعه‌ای می‌گردد. ضعیف بودن سیستم حمایت اجتماعی منطقه به علت مهاجرفرستی آن، و جایگزینی جمعیت ساکن با افراد مهاجر از سایر شهرها و روستاها، و همچنین درصد بسیار پایین کاربری‌های خدماتی و فضای سبز و فضای باز در برخی از محله‌های منطقه، می‌تواند از نقاط ضعف اسکان‌های انتقالی در زمین‌های عمومی و به طور کلی محله‌ها باشد. گذر دو کانال بزرگ فاضلاب‌رو از داخل بافت‌های اصلی منطقه و انتقال بخشی از پساب‌های خانگی به کوچه‌ها و معابر و کاربری‌های کارگاهی و صنعتی - و گاه متروکه - احتمال آلودگی‌های شدید زیست‌محیطی را در محل اسکان افراد بی‌خانمان افزایش خواهد داد.

یافته‌های آماری

نتایج حاصل از بررسی پرسشنامه‌ها در نرم‌افزار SPSS بدین شرح‌اند: بیشترین درصد پاسخگویان (۳۶ درصد) در رده سنی ۲۵ تا ۳۴ قرار دارند. در میان پاسخگویان، ۵۵ درصد متأهل‌اند، ۳۵ درصد مجرد، ۵ درصد مطلقه و ۵ درصد نیز همسرشان فوت کرده است. دیگر اینکه تحصیلات ۳۷ درصد در مقطع لیسانس، ۲۵ درصد در مقطع دیپلم، ۱۸ درصد فوق‌دیپلم و بقیه در سایر رده‌ها بوده است. نیز گفتنی است که ۵۶ درصد مصاحبه‌شوندگان مالک خانه بوده‌اند و بقیه مستأجر و یا ساکن در خانه‌های سازمانی.

بررسی میزان آشنایی پاسخگویان با انواع اسکان انتقالی



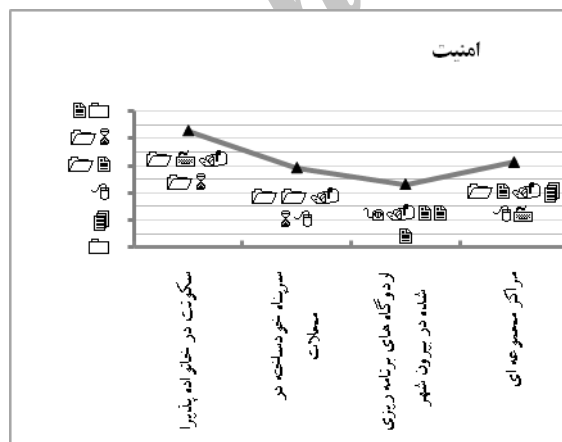
شکل ۵. درصد فراوانی پاسخگویان برحسب اقامت در چادر، مدرسه یا مسجد
منبع: نگارنده

به‌منظور بررسی میزان آشنایی نسبی پاسخگویان با انواع اسکان انتقالی، در ابتدا پرسشی مبتنی بر اقامت پاسخگویان در چادر و یا مراکزی مانند مدرسه یا مسجد - در مواردی مانند مسافرت و جز آن - مطرح گردید؛ و همان‌طور که در شکل ۵ ملاحظه می‌شود، نزدیک به نیمی از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که در زندگی‌شان، پیش آمده است که در چادر و یا مراکزی چون مدرسه و مسجد و نظایر اینها اقامت کنند.

بررسی نتایج حاصل از مطلوبیت گونه‌های اسکان در ابعاد اجتماعی و ادراک محیطی

الف) ابعاد اجتماعی

• شاخص امنیت



شکل ۶. میانگین امتیاز مربوط به شاخص احساس امنیت
منبع: نگارنده

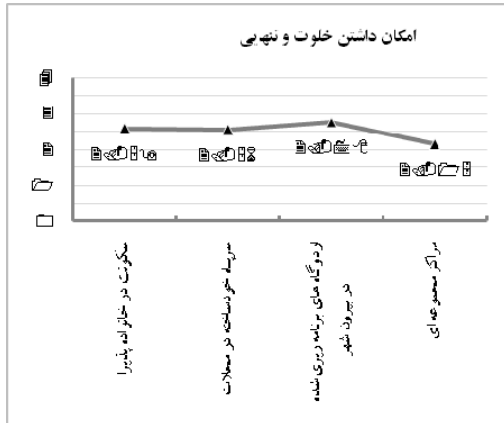
میانگین امتیازهای داده شده به گونه‌های اسکان انتقالی، از نظر شاخص امنیت، با متغیرهایی چون اماکن بهره‌مند شدن از حمایت دیگران، ریسک اعتماد کردن به سایرین (امکان تنها گذاشتن فرزندان‌شان در محل اسکان و امکان سوءاستفاده و بدرفتاری با زنان و کودکان) و مصونیت در برابر بزهکاری، مشخص می‌سازد که اولویت‌های زنان برای دریافت امنیت، به ترتیب اینهاست: سکونت با خانواده‌های پذیرا، اسکان در مراکز مجموعه‌ای، سرپناه‌های خودساخته در زمین‌های عمومی و در نهایت اردوگاه‌های برنامه‌ریزی‌شده.

این امتیازدهی مشخص می‌سازد که زنان محدوده مطالعه در صورتی که بخواهند تا ۲ سال پس از زلزله در مکانی سکنی گزینند، امن‌ترین محل اسکان را منزل اقوام و آشنایان‌شان می‌دانند.

انتخاب مراکز مجموعه‌ای به‌عنوان دومین گزینه، می‌تواند بیانگر افزایش احساس امنیت زنان در صورت سکونت در فضاهای بسته و ساختمان، در مقایسه با اسکان در فضاهای عمومی و یا در محله‌های‌شان و در میان همسایگان باشد. در شکل ۶ شاخص ترکیبی از متغیرهای امنیت درج شده است.

● حریم شخصی

در زمینه امکان دارا بودن حریم و فضای شخصی، که در زمره حداقل‌های اسکان انتقالی است، پرسش‌ها در قالب دو متغیر (امکان کنترل و دخالت دیگران در زندگی شخصی، و داشتن فضایی برای خلوت و تنهایی) مطرح گردیدند، که روند امتیازدهی گزینه‌های سکونت براساس متغیر امکان دخالت سایرین، با متغیرهای مطرح در شاخص امنیت مشابهت دارد. این امر حاکی از آن است که زنان پاسخگو، گرچه با سکونت در خانه اقوام و آشنایان و مراکز مجموعه‌ای بیشترین امنیت ممکن را برای خود تصور می‌کنند، اما در همان حال میزان دخالت اطرافیان را در صورت سکونت در گونه‌های مذکور، بیش از اسکان‌های خودساخته در محله‌ها و زمین‌های عمومی و



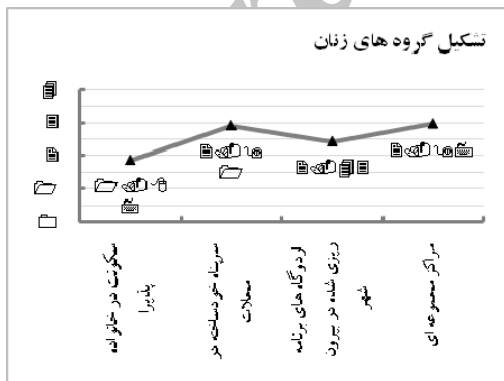
شکل ۷. میانگین امتیاز مربوط به متغیر امکان دارا بودن فضایی برای خلوت و تنهایی

منبع: نگارنده

کمپ‌های برنامه‌ریزی شده برمی‌شمارند؛ لیکن در مورد امکان دارا بودن فضایی برای خلوت و تنهایی، امتیازبندی زنان کمی متفاوت است (شکل ۷). نکته جالب توجه در این متغیر، آن است که زنان تصور می‌کنند با سکونت در اردوگاه‌های بیرون شهر - که احتمالاً دیگران آنها را نمی‌شناسند - فرصت بیشتری برای خلوت و تنهایی خواهند داشت، در حالی که احتمال می‌دهند با سکونت در فضاهای بسته، این امکان را از دست بدهند.

● مشارکت

همان‌طور که اشاره شد، یکی از دلایل آسیب‌پذیری زنان در اسکان موقت (انتقالی)، عدم مشارکت آنان - و در نتیجه، نادیده گرفته شدن خواسته‌ها و دیدگاه‌های‌شان - در مراحل مختلف اسکان است. بنابراین، در گونه‌هایی از اسکان که مشارکت زنان با سایرین و به خصوص زنان دیگر ممکن باشد، احتمال بروز آسیب‌پذیری‌های جنسیتی بسیار کاهش می‌یابد. از زنان پاسخگو در محدوده مورد مطالعه، خواسته شد تا مشخص سازند در کدام یک از گونه‌های اسکان تمایل بیشتری به مشارکت با سایرین و تشکیل گروه‌های زنان به‌منظور برآوردن خواسته‌های خود و دیگران را دارند، که میانگین امتیاز آنان در شکل ۸ درج شده است.



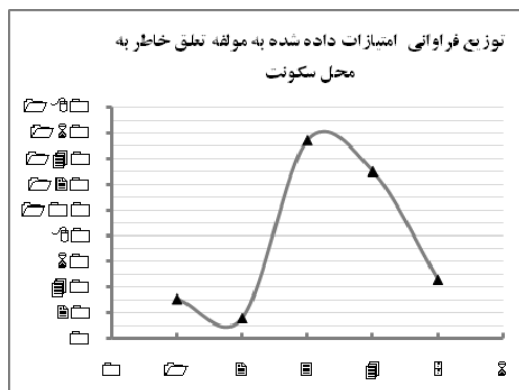
شکل ۸. میانگین امتیاز مربوط به متغیر تمایل به تشکیل گروه‌های زنان

منبع: نگارنده

• ابعاد ادراکی محیط

مؤلفه‌های ادراک محیط، معیارهایی هستند که در اسکان موقت (انتقالی) کمترین توجه به آنها می‌شود، لیکن در انتخاب اشخاص برای سکونت، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند. نتایج مطالعه، براساس شاخص‌های ادراک محیطی تعیین شده، بدین شرح است:

• تعلق خاطر به محل سکونت



شکل ۹. توزیع فراوانی امتیازات داده شده به مؤلفه تعلق خاطر به محل سکونت

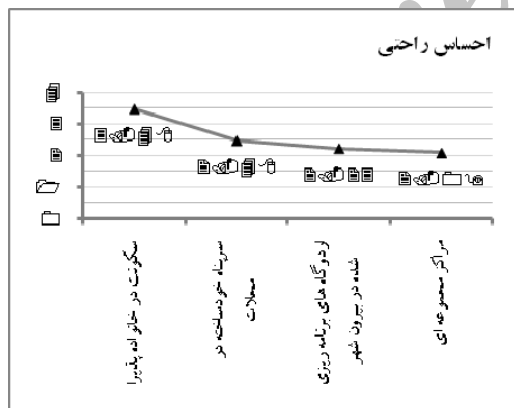
منبع: نگارنده

این مؤلفه براساس میزان تمایل به سکونت در همین منطقه پس از وقوع زلزله مطرح گردید، که نظر پاسخگویان در شکل ۹ آورده شده است (امتیاز ۱ به معنای کمترین تمایل، و امتیاز ۵ به معنای بیشترین تمایل است).

میانگین تعلق خاطر به محل سکونت در جامعه آماری، $3/38$ است که در واقع بیش از میانگین نظری (۳) است و نشان از تعلق خاطر بیش از متوسط جامعه آماری به محل سکونت خود دارد.

• آسایش و راحتی

با توجه به تعریف آسایش و راحتی، که در مبانی نظری شرح داده شده است، از پاسخ‌دهندگان خواسته شد بیان کنند که در صورت اسکان در کدام یک از گونه‌های اسکان تا زمان دو سال احساس راحتی بیشتری خواهند داشت. میانگین امتیاز اولویت‌بندی زنان، مجدداً نشان از میزان ارجحیت سکونت در منزل اقوام و آشنایان به سرپناه‌های خودساخته، کمپ‌های برنامه‌ریزی شده و در نهایت مراکز مجموعه‌ای داشته است.

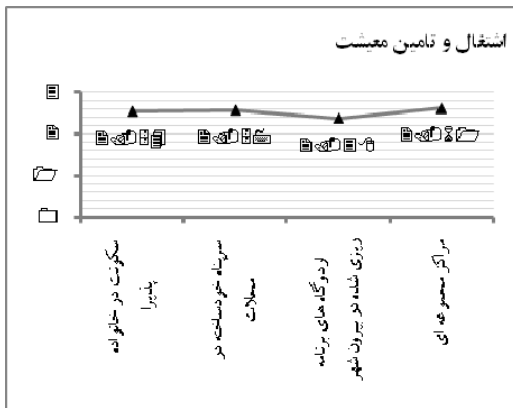


شکل ۱۰. میانگین امتیاز مربوط به حس راحتی در محل اسکان

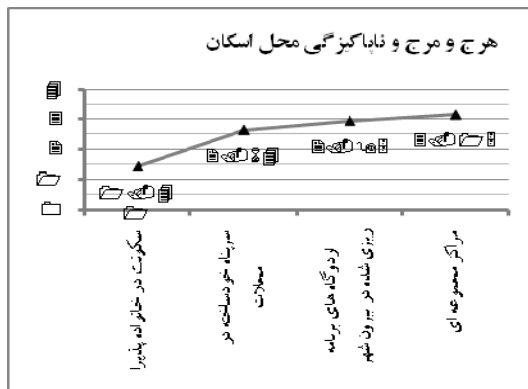
منبع: نگارنده

• سرزندگی و حیات محیط اسکان

این شاخص براساس امکان تأمین معیشت یا ادامه اشتغال زنان و نیز وجود سرزندگی و نشاط در محل اسکان مطرح گردید. برای متغیر اشتغال و تأمین معیشت، میانگین امتیازات به یکدیگر نزدیک‌اند و با اینکه به نظر می‌رسد زنان با رفتن به سایر شهرها و سکونت با خانواده‌های پذیرا امکان تأمین معیشت بیشتری داشته باشند، اما همان گونه که در شکل ۸ مشخص است، زنان به یافتن فرصت‌های شغلی در صورت سکونت در مراکز مجموعه‌ای و در فضاهای عمومی و یا در محله‌ها، بیشتر امید دارند.



شکل ۱۱. میانگین امتیاز مربوط به امکان اشتغال و تأمین معیشت
منبع: نگارنده



شکل ۱۲. میانگین امتیاز مربوط به هوج و مرج و ناباکیزی محل اسکان
منبع: نگارنده

در مورد متغیر سرزندگی و نشاط روند میانگین دیدگاه‌های پاسخگویان، مشابه متغیر احساس آسایش و راحتی است. نکته درخور اهمیت این است که در گروه مورد مطالعه، نگرش مثبتی به وجود سرزندگی و نشاط در محل اردوگاه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده وجود ندارد، و این خود می‌تواند بیانگر دید منفی زنان به وارد شدن عنصر نشاط و سرزندگی در محل‌های برنامه‌ریزی شده باشد.

● آشفته‌گی و بی‌نظمی محیط

ارزیابی تصور زنان از امکان بروز بی‌نظمی، سروصدا و ناپاکیزی محل اسکان در شکل ۱۲ نشان داده شده است. نکته جالب توجه، پیش‌بینی وقوع آشفته‌گی و ناپاکیزی اردوگاه‌های برنامه‌ریزی شده، در مقایسه با اسکان‌های خودساخته در زمین‌های عمومی و در محله‌هاست، زیرا همان‌گونه که از واژه یا اصطلاح «برنامه‌ریزی» برمی‌آید، نخستین توقع از این اردوگاه‌ها همانا برقراری نظم محیطی و اجتماعی است.

اولویت‌بندی نهایی گونه‌های اسکان، براساس شاخص‌های ترکیبی

به‌منظور تعیین اولویت‌های زنان برای اسکان، در وهله نخست متغیرهای تعریف شده وزن‌دهی گردیدند، چرا که به عنوان مثال، شاخص امنیت جزو موارد حداقلی و لازم برای اسکان‌های انتقالی است، در حالی که شاخص نظم در زمره مواردی است که می‌تواند به کارایی و افزایش کیفیت گونه‌های اسکان بیفزاید. این وزن‌دهی براساس نوشته‌ها و پژوهش‌های تخصصی موجود و همچنین نظر متخصصان صورت پذیرفت. وزن‌دهی به این ترتیب بود که در پرسشنامه‌ای مجزا، از متخصصان مرتبط با موضوع، خواسته شد تا میزان اهمیت هر یک از متغیرهای پایه و مؤثر در مطلوبیت و انتخاب گونه‌های اسکان موقت برای اسکان زنان را از ۱ تا ۵ امتیازدهی کنند؛ سپس میانگین همین امتیازات (به‌عنوان وزن متغیرها) ملاک عمل قرار گرفت.

در انتها، وزن داده شده به هر متغیر در میانگین امتیازها یا اولویت‌های داده شده به هر یک از متغیرها در گونه‌های اسکان ضرب گردید. نتایج این محاسبه در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. امتیاز متغیرهای اصلی مربوط به هر یک از گونه‌های اسکان

مراکز مجموعه‌ای	اردوگاه‌های برنامه‌ریزی شده در پیرامون شهر	سرپناه خودساخته در محله‌ها و زمین‌های عمومی	سکونت در خانواده پذیرا	وزن متغیرها	
شاخص امنیت					
۱۲/۹۷	۹/۳۱	۹/۶۸	۱۸/۴۱	۵	مصونیت در برابر بزهکاری
۱۲/۰۲۴	۹/۲	۱۰/۴۶	۱۸/۵۹	۵	ریسک اعتماد کردن (امکان تنها گذاشتن فرزندان)
۱۳/۹۸	۹	۱۳/۶۰	۱۴/۵۷	۵	عدم بدرفتاری سایرین با زنان و کودکان
۱۴/۱۱	۷/۳	۱۲/۶۱	۱۶/۵۵	۵	عدم امکان سوءاستفاده از زنان و کودکان
۹/۶۲	۷/۴۸	۹/۰۴	۱۴/۱۵	۴	حمایت اجتماعی
شاخص کرامت انسانی و حریم شخصی					
۷/۲۰	۹/۷۴	۷/۷۴	۵/۷۳	۳	عدم دخالت و کنترل دیگران
۴/۳۱	۵/۵۵	۵/۱۲	۵/۱۹	۲	امکان دارا بودن خلوت و تنهایی
شاخص مشارکت اجتماعی					
۸/۹۰	۷/۲۸	۸/۷۳	۵/۶۰	۳	تشکیل گروه‌های زنان
شاخص حیات و سرزندگی					
۲/۲۷	۱/۹۴	۲/۵۳	۳/۴۶	۱	سرزندگی و نشاط
۷/۸۴	۷/۱۳	۷/۷۱	۷/۶۳	۳	اشتغال و تأمین معیشت
شاخص آسایش					
۲/۰۹	۲/۲۳	۲/۴۸	۳/۴۸	۱	احساس راحتی
شاخص نظم					
۱/۴۱	۲/۶۴	۲/۹۵	۳/۱۵	۱	عدم آشفتگی و بی‌نظمی محیط

منبع: نگارنده

سرانجام امتیاز نهایی هر یک از گونه‌های سکونت براساس شاخص کلی و از ترکیب (جمع) شاخص‌های امنیت، کرامت و حریم شخصی، مشارکت اجتماعی، حیات و سرزندگی، آسایش و نظم به‌دست آمد و براساس عدد ۱۰۰ سنجیده شد، که نتایج آن بدین شرح است:

• سکونت با خانواده های پذیرا • میانگین امتیاز = ۷۳.۸۹	اولویت اول
• سکونت در مراکز مجموعه ای • میانگین امتیاز = ۵۱.۹۱	اولویت دوم
• سکونت در سرپناه های پر با شده در محلات با زمین های عمومی • میانگین امتیاز = ۴۷.۳۹	اولویت سوم
• سکونت در اردوگاه های برنامه ریزی شده • میانگین امتیاز: ۳۲	اولویت چهارم

نتیجه‌گیری

به‌هنگام وقوع بحران، به علت از بین رفتن سیستم‌های اجتماعی یا تضعیف آنها، تفاوت‌های جنسیتی نمود بیشتری می‌یابند و این خود باعث می‌شود که زنان در برابر بحران‌ها آسیب‌پذیرتر از مردان گردند. رعایت کردن ملاحظات جنسیتی در برنامه‌ها، منجر به کاهش آسیب‌پذیری‌های زنان در طول بحران و در شرایط اسکان موقت می‌گردد که نتایج مثبت حاصل از آن می‌تواند کل جامعه بحران‌زده را در بر گیرد. در این میان، آگاهی از انتخاب‌های احتمالی و شناسایی گزینه‌های مطلوب اسکان از منظر زنان، می‌تواند به افزایش کارایی برنامه‌های اسکان و کاهش آسیب‌پذیری‌های جنسیتی بینجامد.

در این پژوهش، منطقه ۹ شهرداری تهران، که منطقه‌ای آسیب‌پذیر در برابر زمین‌لرزه و در عین حال دارای پتانسیل لازم برای گونه‌های مختلف اسکان انتقالی است انتخاب گردید، و مدل تجربی طراحی شده براساس ابعاد و شاخص‌ها و متغیرهای اصلی پژوهش با مشارکت مستقیم خود زنان به سنجش گذاشته شد، تا میزان دستیابی به فاکتورهای تأثیرگذار بر انتخاب هر یک از گونه‌های اسکان در شاخص‌های تعریف‌شده سنجیده شود. بدین ترتیب، نخست از منظر ابعاد، شاخص‌ها و متغیرهای اجتماعی و ادراک محیطی، مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین گونه‌ها از دیدگاه زنان شناسایی گردید و در انتها نیز براساس وزندهی به متغیرها، میزان مطلوبیت براساس شاخص ترکیبی به‌دست آمد. بر این مبنا، سکونت در خانه اقوام و آشنایان مطلوب‌ترین گزینه زنان ساکن در محدوده مورد مطالعه برای اسکان پس از زلزله بوده است؛ و در نتیجه برای گروه‌هایی از زنان که این نوع سکونت برای‌شان فراهم است، خواهد بود.

اولویت دوم زنان برای اسکان انتقالی، سکونت در ساختمان‌های عمومی احتمالاً تخریب‌نشده - مانند مساجد و مدارس و جز اینها - است، که این خود ترجیح زنان را به سکونت در فضاهای بسته در مقایسه با فضاهای باز شهری و یا برنامه‌ریزی‌شده، نشان می‌دهد. این امر لزوم تمرکز برنامه‌های اسکان در منطقه را به سمت شناسایی و ایجاد چنین مراکزی به‌منظور اسکان افرادی که امکان سکونت با خانواده‌های پذیرا را ندارند، مشخص می‌سازد.

انتخاب سوم زنان، یعنی سکونت در سرپناه‌های برپا شده در زمین‌های عمومی و یا در محله‌ها، می‌تواند عدم موفقیت احتمالی برنامه‌ریزی اسکان محله‌ای را برای سکونت زنان - و به‌خصوص زنان تنها و سرپرست خانوار - نشان دهد. آخرین انتخاب زنان، سکونت در اردوگاه‌های برنامه‌ریزی‌شده است که لزوم بازنگری در برنامه‌ریزی‌های اسکان موقت کنونی شهروندان تهرانی (به خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر) را، که هم‌اکنون بر اردوگاه‌های برنامه‌ریزی‌شده در پیرامون شهر متمرکز است، خاطر نشان می‌سازد.

در نهایت، با توجه به انتخاب‌های احتمالی زنان محدوده مورد مطالعه پس از وقوع زلزله در شهر تهران، برنامه‌ریزان و مدیران بحران باید با شناسایی نقاط قوت، ضعف و نیز تهدید و فرصت‌های اسکان در خانواده‌های پذیرا و مراکز مجموعه‌ای و ارائه راهبردهای مناسب پشتیبانی لازم از گونه‌های مذکور را در شرایط بحران فراهم آورند.

پی‌نوشت‌ها

1. recovery
2. Mileti
3. Drabek
4. Hass
5. Kates
6. Bowden
7. Quarantelli

8. Emergency Sheltering
9. Temporary Sheltering
10. Temporary Housing
11. Permanent Housing
12. Scudder/Colson Model
13. Shelter center
14. town hall
15. to stay
16. to live

منابع

- امیر کافی، مهدی (۱۳۸۸) *بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)*، تحقیقات علوم اجتماعی ایران، دوره (۱)، ۱-۲۶.
- انصاری، باقر (۱۳۸۳) «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره (۶۶)، ۱-۵۳.
- بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام (۱۳۸۸) *سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری*، پژوهش زنان، دوره (۷)، ۵۰-۶۶.
- حسینی، مازیار (۱۳۸۷) *مدیریت بحران*، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، تهران.
- سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران (۱۳۸۰) *گزارش نهایی پروژه ریزپهنه بندی لرزه‌ای تهران بزرگ*، پدیدآورنده، تهران.
- فلاحی، علیرضا (۱۳۸۶) *معماری سکونتگاه‌های موقت پس از سوانح*، انتشارات شهید بهشتی، تهران.
- مهندسین مشاور آمود (۱۳۸۵) *طرح تفصیلی منطقه ۹ شهر تهران*، پدیدآورنده، تهران.
- Anderson, M.B. (1994) UNHCR, *People-Oriented Planning at Work: Using POP to Improve Programming*, Geneva: Cambridge, MA 02138 USA.
- Bradshaw, Sarah (2004) *Socio-Economic Impacts of Natural Disasters: A Gender Analysis*, United Nations Publications Chile.
- Byrne, Bridget, & Baden, Sally (1995) *Gender, Emergencies and Humanitarian Assistance*, Brighton: BRIDGE.
- Chalinder, Andrew (1998) *Temporary Human Settlement Planning for Displaced Populations in Emergencies*, Overseas Development Institute, London.
- Corsellis, Tom & Vitale, Antonella (2005) *Transitional Settlement Displaced Populations*, University of Cambridge, Cambridge.
- Enarson, Elaine (2000) *Gender and Natural Disasters*, International Labour Office, Geneva.
- ICRC Women And War Team (2004) *Addressing The Needs of Women Affected By Armed Conflict*, International Committee of The Red Cross, Geneva.
- Inter-Agency Standing Committee (2005) *Guidelines for Gender-Based Violence Interventions In Humanitarian Settings: Focusing on Prevention of and Response to Sexual Violence in Emergencies*, Author, Geneva.
- Inter-Agency Standing Committee (2007) *Women, Girls, Boys & Men, Different Needs – Equal Opportunities*, A Gender Handbook for Humanitarian Action, Author, Geneva.
- Kates, Robert, & Pijawka, David (1977) *From Rubble to Monument: The Pace of Reconstruction*, In J.E. Haas, E. Kates & M. Bowden (Eds.), *Reconstruction following disaster*, MIT Press, Cambridge.
- Norwegian Refugee Council (2008) *Camp Management*, Author, Oslo.
- Oliver-Smith, A. (1991) "Successes and Failures in Post-Disaster Resettlement", *Disasters*, 12–23.
- Quarantelli, Enrico (1982) "General and Particular Observations on Sheltering and Housing in

- American Disasters”, Disasters, 277-281.
- Rodríguez, Havidán, Quarantelli, Enrico (Eds) (2007) Handbook of Disaster Research, Springer Science, New York.
 - SPHERE (2004) Humanitarian Charter and Minimum in Disaster Response, Author, Geneva.
 - Staples, William, G. (2007) Encyclopedia of Privacy: A-M. Greenwood press.
 - UNHCR Handbook for the Protection of Women and Girls (2008) United Nations High Commissioner for Refugees, Geneva.
 - Wiest, Raymond E., Mocellin, Jane S.P. & Motsisi, Thandiwe (1994) The Needs of Women in Disasters and Emergencies, University of Manitoba, Manitoba.
 - Zetter, Roger & Boano, Camillo (2009) “Gendering Space for Forcibly Displaced Women and Children: Concepts, Policies and Guidelines”, In S. Forbes Martin, & J. Tirman, Women, Migration and Conflict (pp. 201-227).

Archive of SID